

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث ما در مسئله ۵۶ بود و عرض کردیم برای غسل کسی که در شب ماه رمضان جنب شده چند صورت تصور می شود؛ اول اینکه نام عازما علی ترک الغسل، و دوم اینکه تردید در اغتسال داشته باشد، و سوم اینکه ذاهل و غافل از اینکه ماه رمضان است باشد، و چهارم اینکه می خواهد بخوابد ولی قصد دارد که بیدار شود و غسل کند، در این صورت چهارگانه نوم اولی و نوم ثانی و نوم ثالث با هم فرق می کنند به این صورت که اگر در نوم اولی خواب ماند روزه اش صحیح است و قضا هم ندارد و در نوم ثانی روزه اش درست است ولی باید قضایش را بجا بیاورد و در نوم ثالث باید هم قضا کند و هم کفاره بدهد، این قول مشهور بود که عرض شد. این مسئله از مختصات امامیه است و در آن بین ما و عامه اختلاف نظر وجود دارد فلذا شیخ طوسی در ص ۲۲۲ از جلد ۲ خلاف طبع جدید در مسئله ۸۸ می فرماید: «إذا أجنب فی اول اللیل و نام عازما إلی أن یقوم فی اللیل و یغتسل و بقى نائما إلی طلوع الفجر لم یلزمه شیء بلا خلاف، و إن انتبه دفعة ثم نام و بقى إلی طلوع الفجر کان علیه القضاء بلا کفارة، و إن انتبه دفعتین کان علیه القضاء و الکفارة علی ما قلناه و خالف جمیع الفقهاء فی ذلک، و دلیلنا اجماع الفرقة و اخبارهم و طریقة الاحتیاط تقتضی ذلک أيضا» و همچنین ایشان در مسئله ۸۷ هم این مطلب را بیان می کنند. علامه در ص ۶۹ از جلد ۶ تذکره طبع جدید در مسئله ۳۷ همین مطالبی را که عرض کردیم بیان کرده است خلاصه این قول مشهور است که عرض شد.

خوب ما باید ببینیم متن اخبار چه چیزی را اقتضا می کند و بعد مطالب فقهی را از متن اخبار استخراج کنیم فلذا عرض کردیم که صاحب عروة مطلب را به چهار قسمت تقسیم کرده است که به عرضتان رسید. در روایات ما چند عنوان وجود دارد و ما تابع عناوینی هستیم که از روایاتمان اخذ می کنیم، یکی از آن عناوین تعمد البقاء علی الجنابة می باشد فلذا ما باید ببینیم در کدامیک از این چهار صورتی که صاحب عروة فرموده است تعمد البقاء علی الجنابة صادق است تا اینکه روزه اش باطل باشد. خوب در قسم اول شکی نیست که همین طور است یعنی کسی که نام عازما علی ترک الغسل قطعا مثل عامد بقاء بر جنابت می باشد و عزم بر سبب عزم بر مسبب می باشد یعنی عزم کرده بر

خواب و خواب هم باعث شده و از طرفی هم قصد داشته که بیدار نشود و غسل نکند و حتی اگر بیدار هم می شد غسل نمی کرد پس شکی نیست در قسم اول تعمد البقاء علی الجنابة که یکی از عناوین روایات ما می باشد محقق است. اما در قسم دوم که متردد است که آیا بیدار شود و غسل کند یا نه؟ ما یک عنوان دیگری داریم که آن عنوان صوم است یعنی این شخص وظیفه دارد که فردا روزه بگیرد فلذا کسی که اینچنین تردد دارد در حقیقت قصد صوم ندارد و کسی که قصد صوم ندارد یعنی اصحیح جنبا بدون قصد صوم که خوب معلوم است که در این صورت روزه اش باطل است. اما قسم سوم که ذهل و غفل که ماه رمضان است و عرض کردیم که بهترین مثال هم این است که بگوئیم این شخص غافل بوده به اینکه امشب شب اول ماه رمضان است یا آخر شعبان و بعد در حال جنابت خوابیده تا طلوع فجر که ظاهرا این قسم مثل قسم اول و دوم نیست و باید روزه این شخص صحیح باشد زیرا این شخصی است که اگر می دانست ماه رمضان است روزه می گرفت چون ارتکازا قصد صوم دارد مثل کسانی که در یوم الشک برایشان ثابت نیست که اول ماه است و قصد صوم نداشته اند که در این صورت اگر معلوم شود که ماه رمضان است و آنها چیزی نخورده باشند آن روز روزه رمضان محسوب می شود بنابراین صاحب عروة قسم سوم را ملحق به قسم اول و دوم نمی داند بلکه می گوید در این صورت روزه اش صحیح است و قضا و کفاره هم ندارد. اما کلام در قسم چهارم می باشد یعنی در آنجایی که شخصی در شب جنب است و قصد روزه گرفتن هم دارد و احتمال عقلائی بر استیقاظ هم وجود دارد که در اینجا صاحب عروة می روند سراغ خوابهای سه گانه و می فرمایند با این وصفی که عرض کردیم اگر در نوم اولی خوابید و خواب ماند روزه اش صحیح است و نه قضا دارد و نه کفاره و دلیلش هم دو خبر بود که به عرضتان رسید؛ اول صحیحه ابی سعید قماط و دوم صحیحه عیص بن قاسم که به ترتیب اخبار ۱ و ۲ از باب ۱۳ از ابواب ما یمسک عنه الصائم بودند بنابراین بحثی بیشتر از این که تا به حالا عرض شد درباره نوم اولی وجود ندارد و در بین فقهای ما مطلب روشن است. خوب اما در نوم ثانی فقهای ما فرموده اند که روزه اش صحیح است ولی باید آن روز را قضا کند و دلیلش هم دو خبری بود که به عرضتان رسید؛ یکی صحیحه معاویه بن عمار که خبر ۱ از باب ۱۵ و دیگری صحیحه ابن ابی یغفور که خبر ۲ از باب ۱۵ از ابواب ما یمسک عنه الصائم بودند که دیروز گفتیم که دلالت دارند بر اینکه در نوم ثانی روزه اش صحیح است ولی باید بعدا یک روز قضا کند. در اینجا یک بحثی مطرح شده که صاحب جواهر هم به آن

خوب اما دلیل کسانی که قائلند در نوم ثالث هم قضا و هم کفاره ثابت است اول خبر مروزی و دوم خیر ابن عبد الحمید می باشد که به ترتیب اخبار ۳ و ۴ از باب ۱۶ از ابواب ما یمسک عنه الصائم می باشند ، خبر ۴ را قبلا خواندیم اما خبر ۳ این است : « و باسناده عن محمد بن الحسن الصفار ، عن محمد بن عیسی ، عن سلیمان بن جعفر المروزی ، عن الفقیه (ع) قال : إذا أجنب الرجل فی شهر رمضان بلیل و لا یغتسل حتی یصبح فعلیه صوم شهرین متتابعین مع صوم ذلک الیوم ، و لا یدرکه فضل یومه ». خوب خبر اول ظاهراً مربوط به بحث تعدد است و در آن ذکری از نوم ثالث برده نشده و ظاهراً می گوید که شخصی جنب شده و عمدتاً غسل نکرده که خوب معلوم است که این شخص روزه اش باطل است و هم قضا دارد و هم کفاره پس نمی شود به این خبر برای اثبات کفاره در نوم ثالث استدلال کرد ، و اما خبر دوم هم ضعیف است زیرا اولاً در آن گفته شده ؛ عن بعض موالیه یعنی مرسل است و ثانیاً ذکری از خواب سوم در آن نشده است ...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

متعرض شده و آن این است که در اینجا (نوم ثانی) که قضا دارد آیا کفاره هم دارد یا نه ؟ در روایت کفاره ذکر نشده بود ولی قضا ذکر شده بود اما صاحب جواهر می فرماید که کفاره هم دارد زیرا بین قضا و کفاره ملازمه وجود دارد و هر کجا که قضا دارد کفاره هم دارد الا ما خرج بالدلیل یعنی قاعده اقتضا می کند هر کجا که کفاره هست قضا هم باشد و این مطلب را صاحب جواهر در ص ۱۲۸ از جلد ۱۷ جواهر بیان کرده اند . بنده عرض می کنم این ملازمه ای که ایشان فرموده اند ثابت نیست و مرحوم حاج آقا رضای همدانی هم همین را می فرمایند (عدم ملازمه) زیرا بعضی از جاها است که شارع مقدس فرموده که فقط قضا دارد و اسمی از کفاره برده نشده از جمله در ناسی یعنی کسی که فراموش کرده که جنب شده و مضی یوم او ایام و قبلاً خواندیم که فقط قضا دارد و کفاره ندارد . مرحوم نراقی در مستند الشیعه به یک سبک دیگری بحث کرده اند و فرموده اند بعضی از جاها هستند که قضا ندارند و بعضی از جاها هستند که قضا دارند ولی کفاره ندارند و بعضی از جاها هستند که هم قضا و هم کفاره دارند خلاصه اینکه بین قضا و کفاره ملازمه ای وجود ندارد فلذا در نوم ثانی قضا دارد ولی کفاره ندارد و اگر شک هم کنیم اصل عدمش می باشد . و اما مشهور فقهای ما درباره نوم ثالث فرموده اند که اگر در آن خواب ماند هم قضا و هم کفاره دارد و ما در اول بحث برای نمونه کلام شیخ طوسی در خلاف و علامه در تذکره را خواندیم و صاحب جواهر هم به همین قول قائل است ولی صاحب عروة می فرماید که فقط قضا دارد و کفاره ندارد و تمام شرح عروة می فرماید که حق با صاحب عروة است و در میان محشین عروة حضرت امام اعلی الله مقامه و آقای بروجردی مثل صاحب عروة فرموده اند که فقط قضا دارد و کفاره ندارد البته علی الاحوط ولی خوب بعضی از احوط ها لایترک هم دارند مثل آقا سید احمد خوانساری ، خلاصه در میان شرح و محشین عروة هیچکس قائل به این نیست که در نوم ثالث هم باید قضا کند و هم باید کفاره بدهد البته بعضی ها درباره کفاره احتیاط کرده اند ولی هیچکس فتوی نداده است . عرض کردیم صاحب جواهر تبعاً للمشهور فرموده که در نوم ثالث هم قضا دارد و هم کفاره ولیکن حاج آقا رضای همدانی در ص ۴۲۱ تا ص ۴۳۵ از جلد ۱۴ مصباح الفقیه می فرماید که کفاره ندارد و از شیخ انصاری هم نقل می کند که در وجود کفاره در نوم ثالث خدشه کرده است خلاصه ایشان می فرمایند که دلیلی بر ثبوت کفاره در نوم ثالث نداریم .